



معماری، آینه مدنیت و لباس زندگی است / معماری ایران ادای مدرنیته و فرامدرنیته را در می آورد

استاد پیشکسوت معماری دانشگاه علم و صنعت با اشاره به اینکه معماری مدرن و فرامدرن در اروپا جواب داده است ولی معماری ایران است که ادای مدرنیته و فرامدرنیته را در می آورد، گفت: معماری ایران برخلاف غرب منجر به دگرگونی آشفته ای در ساختار شهرهای ایران گردیده است.

استاد پیشکسوت معماری دانشگاه علم و صنعت با اشاره به اینکه معماری مدرن و فرامدرن در اروپا جواب داده است ولی معماری ایران است که ادای مدرنیته و فرامدرنیته را در می آورد، گفت: معماری ایران برخلاف غرب منجر به دگرگونی آشفته ای در ساختار شهرهای ایران گردیده است.

به گزارش خبرنگار مهر، دومین جلسه عمومی گروه پژوهشی معماری و فرهنگ، با موضوع سه برنهاد در باب معماری، فرهنگ و جامعه با سخنرانی حمید نوحی، استاد پیشکسوت معماری در دانشگاه علم و صنعت روز گذشته 31 شهریورماه در محل پژوهشکده مطالعات فرهنگی روایت برگزار شد.

نوحی در ابتدای سخنانش گفت: سه گزاره ای که در خصوص معماری ایران می توان به آن پرداخت عبارت است از: معماری لباس زندگی، نظام ترجیحات حسی، تقدیر اجتماعی. برخی از تعاریف توصیفی از معماری هستند و ویژگی و خصوصیات معماری را بیان می کنند مثلاً معماری آینه مدنیت و یا معماری لباس زندگی است. اما یکی از جامع ترین و معنادار ترین تعاریف این است؛ معنا دادن به فضا و ایجاد احساس در فضا و خلق احساس با استفاده از فضا.

وی افزود: معماری بیش از آنکه علم و فن باشد، هنر است و دلیلش این است که تمامیت آن یک امر حسی است. در واقع علم و فن در ایجاد یک اثر نقش مهمی دارد ولی بیشتر یک ابزار است ولی نقطه پایانی، احساس و ابتکار درونی یک معمار است.

این استاد معماری تصریح کرد: محصول نهایی معماری از ذهن هنرمندانه معمار بیرون می آید. مصالح عالی جنبه هنری عالی را نشان نمی دهد. آن چیزی که سلیقه زیبایی شناختی در یک انسان را ارضاء می کند روح یک اثر است. در نتیجه احساس از هنر غیر قابل حذف است. یک اثر هنری همیشه با احساس عجین است. حال اینکه احساس ما از عقل و اندیشه آمده یک امر ابتدایی است.

وی تأکید کرد: در گفتار معماری لباس زندگی، معماری زیر بنایش در واقع در خودش آغاز نمی شود و پایان نمی گیرد. وقتی صحبت از معماری می کنیم صحبت از فضای کلان می کنیم. یعنی چهره آشفته شهرهای امروز نتیجه معماری نیست بلکه نتیجه سیاست گذاری در ساخت بناها بدون در نظر گرفتن اقلیم و آیین زندگی در آن شهر است. اگر آب انبار ها و ابنیه عمومی دیگر جزء معماری محسوب نمی شود دلیلش این است که بیشتر فضاهای شهری را مناطق مسکونی احاطه کرده است.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنانش بیان کرد: وقتی زیر بناها بیمار باشد محصول هم بیمار است و زیبا نیست. در نتیجه کمکی به ارتقاء سلائق و زیبایی شناختی نمی کند. سلائق یک انسان در تمام امور زندگی اش بیانگر شخصیت اوست و شخصیت است که زیربنا را تولید می کند. وقتی این زیربناها بیمار باشد، معماری که لباس آن زیربناها است نیز بیمار می شود. هر جامعه ای در زمان های معین مقدراتی دارد که معماری نمی تواند خارج از آن باشد. در واقع تاریخ و آیین نشانگر نوع معماری آن زمان است.

وی اظهارداشت: امروز در دانشکده های ایران، معمار به مثابه معمار واقعی تربیت نمی شود. در حالی که همین دانشجویان در خارج از کشور بسیار می درخشند چون نظام تولید در غرب به سلائق آنها پاسخ می دهد و اینکه چرا این آثار معماران ایرانی در غرب عالی هستند به این دلیل است که معماری وابسته به نظام تولیدی است. معماری در سلسله مراتبی شکل می گیرد که رابطه تنگاتنگی با زیرساختهای اجتماعی دارد.

وی تصریح کرد: تفاوت هنر و معماری در این است که هنر به صورت انفرادی خلق می شود و نیاز به حمایت نهادهای اجتماعی ندارد، ولی معماری اگرچه وابسته به ذوق و سلیقه زیباشناختی جامعه است، از طرفی نیاز به حمایت نهادها و منابع پولی جامعه دارد. این موضوع از مصادیق تقدیر اجتماعی در معماری است. پارادایم زمانه آن قدر که معماری را مشروط می کند دیگر هنرها را مشروط نمی کند.

نوحی با تأکید بر اینکه معماری یک هنر مولد است، گفت: اثر معماری خوب نیازمند یک نظام سالم مولد است. اصولاً طرح های معماری تا وقتی که در دست مشاوران است طرحهای خوبی است ولی وقتی در چارچوب سرمایه گذاری و طرحهای کلان شهرسازی قرار می گیرد دیگر هویت طرح از دست مشاور خارج می شود. در جامعه ما از زمان به وجود آمدن یک طرح توسط معمار تا اینکه در قالب اجرا به آن پرداخته شود زمان بسیار طولانی سیر می شود که در این فاصله شهر رشد خود را کرده و شکل پیدا کرده است.

این استاد پیشکسوت معماری افزود: همان طور که بسیاری از طرحهای در حال اجرای امروز، از زمان فرمانفرمایان است و بسیاری از طرحهای اجرا نشده در زمان شهرداری کرباسچی هنوز در حال بررسی است تا اینها بخواهد به نتیجه برسد شهر شکل آشفته خود را پیدا کرده و شاید بسیاری از طرحها دیگر جایی برای اجرا نداشته باشد. شهر کنونی تهران نتیجه یک چنین روندی است. این شهر اصلاً مناسب کودکان و سالمندان نیست.

وی تصریح کرد: سیر تاریخی هنر در نوع زندگی و اقلیمی که انسان در آن می زیسته طی شده است. مثلاً زندگی در غار و یا در جنگل و استفاده از منابع در دسترس، طرحها را رقم می زد که بعدها سلیقه و غریزه با یکدیگر درآمیخت. مثلاً پلان حیاط مرکزی در ایران و کلیسای یونانی و رومی بر اثر آئین و نیاز جامعه زمان خود پدید آمد.

وی در خصوص تأثیر غلط معماری ایران از معماری مدرن و فرامدرن گفت: با پیدایش مصالح و معماری مدرن و انقلاب صنعتی و دموکراسی و عقلانیت و انسان مداری امر قدسی ارزش خود را از دست داد و اندیشه آزاد در هنر و معماری به وجود آمد، البته معماری مدرن و فرامدرن در اروپا جواب داده است ولی معماری ایران است که ادای مدرنیته و فرامدرنیته را در می آورد که برخلاف غرب منجر به دگرگونی آشفته ای در ساختار شهرهای ایران گردیده است.

حمید نوحی در پایان به معماری نقاطی از شعر تهران اشاره کرد و گفت: با بررسی این نقاط می توان فهمید شهر تحت تأثیر چه دوره ای از تفکر معماران بوده است.